

کارکرد روش‌های پیش‌بینی تکرار جرم در اعطای آزادی مشروط

حسین غلامی * مه‌ری برزگر **

(تاریخ دریافت: ۹۶/۶/۱ تاریخ پذیرش: ۹۶/۷/۵)

چکیده؛

پیش‌بینی تکرار جرم بخشی از مطالعات جرم‌شناسی است که کاربردهای فراوانی در تصمیم‌گیری‌های قضایی نسبت به فرد محکوم دارد. مهم‌ترین این تصمیم‌گیری‌ها مربوط به آزادی مشروط است که بر این پیش‌فرض بنا شده که فرد محکوم در طی دوران محکومیت، رفتار مناسبی از خود نشان داده و پس از آزادی زود هنگام از زندان مرتکب جرم نخواهد شد. در برخی کشورها مطالعاتی به منظور تبیین چگونگی پیش‌بینی صورت گرفته که در سه نسل قابل بررسی‌اند: نسل نخست که عمدتاً شهودی بودند؛ نسل دوم که روش‌های بالینی بهینه‌شده توسط آمار و روش‌های آماری پایا بودند و نسل سوم که عوامل حمایتی و معیارهای پایا/پویا را در نظر می‌گرفتند. در این راستا، معیارهای سنجشی استاندارد مانند SFS و LSI-R نیز ارائه شده‌اند. در ایران با توجه به بند ب ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی و سابقه آن در قوانین پیشین، پیش‌بینی عدم ارتکاب جرم، یکی از شروط اعطای آزادی مشروط و بستر قانونی بکارگیری مطالعات پیش‌بینی در اعطای آزادی است. با این حال، بستر قضایی این امر فراهم نیست. تعیین دقیق معیارها، نیازمند انجام مطالعه‌ای طولی، با در نظر گرفتن مطالعات موفق در کشورهای دیگر و شاخصه‌های بومی است.

واژگان کلیدی: پیش‌بینی جرم، روش‌های پیش‌بینی تکرار جرم، آزادی مشروط

* دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده‌ی مسئول):

mehbarzegar@gmail.com

مقدمه

پیش‌بینی جرم شاخه‌ای از آینده‌پژوهی است که به مطالعه آینده‌های فرضی به منظور کسب آمادگی برای مقابله با آن می‌پردازد و به تازگی مورد توجه جرم‌شناسان نیز قرار گرفته است. از دیدگاه مطالعات جرم‌شناسی، پیش‌بینی جرم هم به صورت اولیه و هم به صورت ثانویه، امکان پذیر است. منظور از پیش‌بینی اولیه جرم، پیش‌بینی ارتکاب جرم است پیش از اینکه فرد مرتکب جرمی شده باشد و منظور از پیش‌بینی ثانویه، پیش‌بینی تکرار جرم است. با این حال، پیش‌بینی اولیه جرم با توجه به پیامدهای حاصل از آن و امکان نقض حقوق و آزادی‌های فردی، بیشتر در سطح نظری مورد مطالعه واقع شده است. در حالی که پیش‌بینی ثانویه با توجه به کاربردهای فراوان و ایرادهای حقوقی کمتر، بیشتر مد نظر دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری قرار گرفته است.

در پیش‌بینی تکرار جرم، با سنجش عوامل خطر، نیازها و عوامل حمایتی، احتمال ارتکاب مجدد جرم از سوی مرتکب تخمین زده می‌شود و اقدامات بعدی در خصوص فرد، با توجه به نتایج پیش‌بینی، راهبری خواهند شد. مهم‌ترین کاربردهای پیش‌بینی تکرار جرم در تصمیم‌گیری‌های قضایی، اداری و مدیریتی هستند. تصمیم‌گیری در مورد انواع نهادهای تخفیفی، اعم از تعویق صدور حکم، تعلیق مجازات، تخفیف مجازات، اعطای آزادی مشروط و نیز دسته‌بندی زندانیان با توجه به کم خطر بودن، نظارت کم‌تر و اعطای آسان‌تر مرخصی‌ها از تصمیم‌های مهم در این مورد هستند.

در میان این نهادهای تخفیفی، آزادی مشروط با توجه به حساسیت، از نظر پیامدها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا اعطای آزادی مشروط از یک سو به معنای پذیرفتن کم خطر بودن مرتکب برای جامعه است و از سوی دیگر، مستلزم پذیرش این دیدگاه است که فرد زندانی نیازی به اصلاح، درمان و بازپروری در زندان ندارد. از این رو، می‌توان هزینه‌های زندان را برای مرتکبانی که برای جامعه خطرناک‌تر هستند و نیاز به چنین تمهیداتی دارند صرف نمود. بنابراین، پیش‌بینی تکرار جرم و بکارگیری آن در فرایند اعطای آزادی مشروط دارای آثار مهم

مدیریتی و اقتصادی برای دستگاه عدالت کیفری است و به تنظیم سیاست‌های کیفری متناسب در مورد محکومان و زندانیان کمک خواهد کرد.

بدین‌سان، در صد سال گذشته پژوهش‌های فراوانی در بسیاری از کشورها در مورد شاخص‌های مورد نظر برای اعطای آزادی مشروط انجام شده‌اند، به طوری که نخستین مطالعات علمی پیش‌بینی جرم، مربوط به پیش‌بینی تکرار جرم پس از اعطای آزادی مشروط بوده‌اند. این پژوهش‌ها توسط محققان بعدی دنبال و بهینه‌سازی شده‌اند و امروزه در بسیاری از کشورها، اعطای آزادی مشروط با توجه به شاخص‌های پیش‌بینی تکرار جرم، به صورت کاملاً قاعده‌مند صورت می‌گیرد.^۱

بررسی این روش‌ها و شاخص‌ها، سیر تکاملی آنها و چگونگی کاربست‌های فعلی‌شان در نظام عدالت کیفری می‌تواند برای نظام کیفری ایران بسیار مفید باشد. به خصوص با توجه به اینکه مطابق بند ب ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، یکی از شرایط اعطای آزادی مشروط این است که «حالات و رفتار محکوم نشان دهد که پس از آزادی، دیگر مرتکب جرمی نمی‌شود».

ذکر این شرط در عرض شروط دیگر آزادی مشروط، بدون ذکر ضابطه و شاخص، بطور تلویحی این باور را که قانونگذار ایرانی نیز بحث پیش‌بینی تکرار جرم در بحث آزادی مشروط را مد نظر داشته تقویت می‌کند. با این حال، در حقوق ایران، ضابطه‌ای برای پیش‌بینی تکرار جرم ارائه نشده و مطالعات هدفمندی نیز در این خصوص صورت نگرفته است. بنابراین، از یک سو قانون دادرسان را موظف به در نظر گرفتن شرط پیش‌بینی عدم تکرار جرم نموده است و از سوی دیگر ضابطه‌ای برای انجام آن ارائه نداده است. به نظر می‌رسد رویه عملی دادرسان و دادیاران ناظر زندان، بیشتر شهودی و تجربی است. این موضوع می‌تواند باعث برخوردهای سلیقه‌ای و غیر ضابطه‌مند در مورد اعطای آزادی مشروط شود که امکان دارد به بی‌عدالتی در

۱. برای مطالعه بیشتر بنگرید به:

McLaughlin, Eugene & Munice, John. (2001). *The Sage Dictionary of Criminology*. London, UK: Sage . PP.221-222.

مورد سرنوشت زندانیان بیانجامد. همچنین، ممکن است منجر به آزادی زودهنگام برخی زندانیان خطرناک گردد که احتمالاً مرتکب تکرار جرم شده و در یک چرخه، مجدداً وارد نظام عدالت کیفری شوند.

یک راه حل، برای مشکل فعلی حذف بند ب ماده ۵۸ و یکپارچه‌سازی شرایط اعطای آزادی مشروط برای تمامی زندانیان است. اگرچه این راه حل می‌تواند جالب توجه باشد، با توجه به سابقه قانونگذاری در زمینه آزادی مشروط در ایران و نیز مطالعات صورت گرفته در مورد پیش‌بینی تکرار جرم در کشورهای دیگر و نیز شرط فردی‌سازی مجازات‌ها، به نظر می‌رسد بهترین راه حل نباشد. اما راه حل دیگر، تلاش برای قاعده‌مندسازی شرط پیش‌بینی تکرار جرم، با توجه به مطالعات انجام شده در این خصوص است. بنابراین، شاید بتوان با بررسی تحقیقات انجام شده در خصوص شاخص‌های پیش‌بینی تکرار جرم در کشورهای دیگر، امکان بکارگیری آنها را در ایران مورد مطالعه قرار داد. این موضوع، با توجه به فقدان مطالعات هدفمند در ایران در این زمینه، می‌تواند بانی برای شروع این مطالعات بگشاید.

۱. روش‌های پیش‌بینی جرم در فرایند اعطای آزادی مشروط در کشورهای دیگر

نهاد آزادی مشروط^۱ عبارت است از آزادی زودهنگام و مشروط فردی که پیشتر برای ارتکاب جرمی محکوم شده پیش از پایان مدت حبس، به شرط نظارت مقامات اصلاحی در طی مدت باقی‌مانده حبس و از سرگیری حبس در صورت نقض شرایط اعمال شده (Lehman, 2005: 149). این نهاد که در نظام حقوقی بسیاری از کشورها، اعم از کشورهای تابع نظام حقوقی رومی-ژرمنی و کامن‌لا پذیرفته شده ضابطه‌مند است و اعطای آن به مرتکب مشروط به شرایطی است. در کنار شرایط عمومی آزادی مشروط، معمولاً یک فرض نهادی وجود دارد و آن پیش‌بینی عدم ارتکاب جرم از سوی مرتکب پس از آزادی مشروط است. این شرط در قوانین

1. Parole

برخی کشورها و از جمله ایران، صراحتاً ذکر شده و مبتنی بر این اصل است که در صورت پیش‌بینی ارتکاب جرم از سوی مرتکب پس از آزادی مشروط، اعطای آزادی مشروط اصولاً توجیه‌پذیر نیست و نباید صورت گیرد. با این حال، ضابطه‌های پیش‌بینی تکرار جرم پس از آزادی مشروط، شاهد تغییر و تحولات فراوانی بوده و به تدریج از روش‌های شهودی و بالینی به سمت روش‌های سازمان‌یافته‌تر آماری حرکت کرده‌اند.

۱-۱. روش‌های اولیه

نخستین مطالعات پیش‌بینی جرم و تکرار جرم، ساده و غیرضابطه‌مند بودند. وجه مشترک میان این مطالعات، عدم ارائه ضابطه دقیق، تکرارپذیر و امکان‌خطای بالاست. این روش‌ها عمدتاً بالینی و یا آماری بسیار ساده هستند. در واقع، مطالعات پیش‌بینی جرم، چهار نسل را طی کرده‌اند. نخستین روش‌ها در این حوزه، روش‌های بالینی غیر ساختاری بوده‌اند. در نسل دوم، استفاده از آمار، به عنوان یک ابزار سنجشی مد نظر پژوهشگران قرار گرفت. برخی مطالعات در این نسل، همچنان از روش‌های بالینی که توسط روش‌های آماری بهینه‌سازی شده‌اند استفاده و برخی دیگر از روش‌های آماری پایا استفاده می‌کنند. با انتقاداتی که توسط برخی جرم‌شناسان، همچون بونت^۱ بر مطالعات نسل دوم وارد شد، نسل سوم مطالعات که مبتنی بر روش‌های آماری مبتنی بر عوامل پایا و پویا هستند، پدیدار شدند^۲ (Hoge & Vincent, 2013: 14-15). باری، اگرچه مقاله‌ی حاضر بیشتر به روش‌های آماری تکامل‌یافته در نسل سوم می‌پردازد، جهت روش شدن بحث، تبیین مطالعات نسل اول و دوم نیز می‌تواند مفید باشد.

1. James Bonta (1996).

۲. نسل چهارم مطالعات پیش‌بینی جرم که به نام ابزار سنجش خطر قضاوت ساختارمند حرفه‌ای معروف هستند، بر مدیریت پرونده توسط ارزیاب تأکید بیشتری داشته و اختیار ارزیاب را در سنجش‌ها افزایش می‌دهند. از آنجا که مطالعاتی که بیان خواهند شد، در نسل سوم مطالعات جای می‌گیرند، از بیان مطالعات نسل چهارم که ضابطه‌ی قطعی برای پیش‌بینی ارائه نمی‌دهند صرف نظر شده است. برای مطالعه بیشتر بنگرید به: (Ibid. PP.15-16).

۱-۱-۱. روش‌های نسل اوّل

نخستین تلاش‌ها برای پیش‌بینی علمی جرم، بر پایه روش‌های بالینی استوار بودند. در این روش‌ها فردی متخصص و آموزش دیده مانند روان‌پزشک، روان‌شناس، مددکار اجتماعی، مشاور مراکز اصلاحی، عضو کمیته آزادی مشروط یا متخصص مأمور به خدمات عمومی حضور دارد. ارزیابی بالینی، فرایندی بین فردی است که در آن فرد در باره دیگری و اقداماتی که در مورد وی صورت خواهد گرفت تصمیم می‌گیرد. منطقی که ورای رهیافت بالینی برای ارزیابی وجود دارد این است که متخصص بالینی، دارای تجربه، تخصص و چه بسا استعداد ذاتی است که به وی اجازه اظهار نظر کلی در باره فرد دیگری را می‌دهد. پرسش‌هایی که متخصصان بالینی از فرد مورد آزمون می‌پرسند اغلب شخصی، نامنسجم و خارج از ساختار هستند. به عبارت دیگر، مناسب یا مرتبط بودن پرسش‌ها روشن نیست (جلالی، ۱۳۸۷: ۲).

نمونه‌های بسیاری از چنین پیش‌بینی‌هایی، به خصوص در مورد تشخیص خطرناکی برای ارتکاب جرایم خشونت‌آمیز را می‌توان نام برد که در پیش‌بینی دچار اشتباه شده‌اند. به عنوان یکی از نخستین و مهم‌ترین موارد، می‌توان به پرونده جانی بکستروم^۱ اشاره کرد که در سال ۱۹۶۶ با وجود تحمل مجازات جرم خود، خطرناک تشخیص داده شد و تحت نظر باقی ماند. البته پس از شکایت وی علیه هرولد^۲ دادگاه عالی به آزادی او و ۱۰۰۰ تن دیگر که خطرناک تشخیص داده شده بودند به تأسیسات آزادتر یا بیمارستان‌ها دستور داد (Watson, 2008: 9).

به نظر می‌رسد رویکرد قانون مجازات اسلامی ایران در مورد پیش‌بینی جرم، در جاهایی که به آن اشاره کرده است نیز مبتنی بر همین نسل از مطالعات باشد. مطابق مواد ۴۶، ۴۰، ۵۸ و ۱۱۵ این قانون حسب مورد دادرس یا دادرس اجرای احکام موظف است در صورت پیش‌بینی اصلاح مرتکب یا عدم ارتکاب جرم از سوی او و یا احراز ندامت و اصلاح وی، حکم به تعویق صدور حکم، تعلیق مجازات، آزادی مشروط، سقوط مجازات و یا تخفیف مجازات دهد. معیار

1. Johnnie Baxstrom
2. Herold

تشخیص، فردی، غیر قابل تکرار و غیر ساختارمند است و بر اساس دانش و تجربه فرد آزمون‌گر، در اینجا دادرس، صورت می‌گیرد.

با این حال، این نسل از مطالعات با انتقادهای فراوانی مواجه شده است. مطابق بازمینی موناهان^۱ (۱۹۸۱) اظهار نظر و پیش‌بینی در این مورد غیر ممکن است، زیرا پیش از آزمودن پیش‌بینی اولیه اتفاقات بسیاری افتاده است. ممکن است یافته‌های عدم ارتکاب جرم پس از آزادی به نوعی ابراز مؤثر بودن برنامه‌های بیمارستانی باشند. وی همچنین ملاحظه کرد که دلایل آشکاری برای موفقیت پایین مطالعات نسل اول پیش‌بینی به غیر از عدم قابلیت پیش‌بینی وجود دارند که منجر به فراخوانی مطالعات نسل دوم از سوی وی شد، چنانکه این نسل از مطالعات دارای متغیرهایی هستند که به طور دقیق تعریف شده‌اند (Watson, 2008: 16-17).

۱-۱-۲. روش‌های نسل دوم

مطالعات نسل دوم را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: مطالعاتی که مبتنی بر روش‌های بالینی‌ای هستند که توسط روش‌های آماری بهینه‌سازی شده‌اند و مطالعاتی که مبتنی بر روش‌های آماری ساده هستند. وانگهی، تحقیق‌های بالینی نسل دوم می‌کوشند چارچوبی نظری با پیشنهاد حوزه‌های عملکردی و دسته‌ای از متغیرها که متخصصان بالینی در ارزیابی‌های خود باید به اکتشاف آن پردازند ارائه دهند. موناهان با تمرکز بر پیش‌بینی جرایم خشونت‌آمیز، عوامل مؤثر برای پیش‌بینی را به دو دسته عوامل شخصیتی و موقعیتی تقسیم کرد. با این حال، وی از مطالعات آماری نیز برای پیش‌بینی جرایم خشونت‌آمیز بهره می‌گیرد.^۲

تحقیق‌های آماری نسل دوم برای نخستین بار از علم آمار برای پیش‌بینی ارتکاب جرم و یا تکرار جرم استفاده کردند. مدل‌های آماری، مدل‌هایی هستند که در آنها افراد بر مبنای

1. John Monahan.

۲. برای مطالعه‌ی بیشتر بنگرید به:

The Clinical Prediction of Violent Behavior. New Jersey, USA: Jason Aronson INC.
copyright 1978

شبهات‌هایشان نظیر ماهیت جرم ارتكابی یا شروع رفتار مجرمانه دسته‌بندی می‌شوند. با ملاحظه گروه‌های مختلف و عوامل مشترک، تعیین عوامل مسئول در پیش‌بینی تکرارکنندگان جرم پرخطر یا کم‌خطری که خطری بر جامعه تحمیل می‌کنند ممکن خواهد شد. بنابراین، نکته مهم در این روش اینکه نیاز به ساخت عوامل خطری است که در مرتکبان جرایم خاص مشترک می‌باشند. پس، پیش‌بینی آماری بر مبنای این مقدمه استوار است که مرتکبی که همان عوامل مرتکبان دیگر را دارد احتمالاً به همان طریق رفتار خواهد کرد (Taylor, 2016: 462).

مفهوم عدالت آماری، تخمینی یا سنجشی^۱ که نخستین بار در دهه ۱۹۸۰ میلادی مطرح شد، به معنای بکارگیری سازوکارهای حقوق کیفری و جرم‌شناسی به منزله ابزار مدیریت خطر جرم و تکرار جرم است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸: ۷۲۳). این رویکرد که در مخالفت با اندیشه‌های دولت رفاه در مورد امکان بازپروری مرتکبان با توجه به روش‌های بالینی پدیدار شد، بر نقش مهم یافته‌های آماری به منظور تعیین خطر مرتکبان جرم تأکید می‌کند.

عمده مطالعات آماری در این حوزه، از دهه ۹۰ میلادی به بعد محبوبیت یافته‌اند. با این حال، استفاده از آمار، به عنوان ابزار سنجش برای پیش‌بینی جرم، سابقه‌ای طولانی‌تر دارد. صرف‌نظر از روش‌های ساده‌تر پیش‌بینی خطرناکی که عموماً بالینی، شخص‌محور، غیر قابل تکرار و غیر علمی هستند، روش‌های جدید بیشتر با تکیه بر داده‌ها و ابزار آماری، شاخص‌های احتمال ارتکاب جرم را پیش‌بینی می‌کنند. ویژگی اصلی این نوع پیش‌بینی، ساختارمند بودن، قابل پیش‌بینی بودن و قابل تکرار بودن است. بدین معنا که هر مرتکبی با توجه به این شاخص‌ها می‌تواند آینده خود و احتمال تکرار جرم از جانب خود را پیش‌بینی کند.

نخستین مطالعات آماری در مورد پیش‌بینی تکرار جرم در آزادی مشروط به سال ۱۹۲۸ و تحقیقات *ارنست بورگس*^۲ برمی‌گردند. بورگس جدولی برای ارزیابی خطر تکرار جرم ارائه داد که در آن در صورت وجود هر یک از عوامل بیست و یک گانه خطر، مرتکب یک نمره

1. Actuarial Justice.
2. Ernest Burgess.

مثبت دریافت می‌کرد. وی و شاگردانش با مطالعه آماری دریافتند که ۷۶ درصد افرادی که نمره بالای خطر تکرار جرم دریافت می‌کنند، در عمل طی پنج سال آینده مرتکب جرم می‌شوند (Grigorenko, 2012: 216).

مهم‌ترین عوامل مورد مطالعه بورگس عبارت بودند از: وضعیت شغلی پیشین، وضعیت تأهل، وضعیت مسکونی، موقعیت خانه، طبقه اجتماعی، ملیت، نوع جرم، تعداد شرکا در ارتکاب جرم، سابقه جنایی و مجازات‌های انضباطی که فرد در طی دوران حبس خود به آنها محکوم شده است. این عوامل همگی دارای ارزش یکسانی نبودند. بدین منظور، وی برای هر متغیر نمره‌ای میان صفر تا یک در نظر گرفت. نمره صفر به معنای نامساعد بودن عامل و احتمال بیشتر تکرار جرم و نمره یک به معنای مساعد بودن عامل و بالاترین تأثیر در پیش‌بینی عدم تکرار جرم بود. برخی از عوامل نیز دارای تأثیر خنثی شناخته شدند. وی از این عوامل جدولی ساخت که در آن هر یک از عوامل نمره‌ای دریافت می‌کرد و هدف یافتن عواملی بود که مساعدتر بوده و احتمال تکرار جرم را کاهش می‌دادند. به عنوان مثال، مطالعات نشان دادند که زندانیانی که دارای ۱۶ تا ۲۱ عامل مثبت هستند تنها در ۱/۱۵ درصد موارد مرتکب تکرار جرم شده‌اند، در حالی که زندانیانی که تنها دارای ۲ تا ۴ عامل مثبت بودند دارای ۷۷ درصد نرخ تکرار جرم بودند (Hurwitz & Christiansen, 1983: 356). این مطالعه روی ۳۰۰۰ زندانی که در اوایل دهه ۱۹۲۰ آزادی مشروط به آنها اعطاء شده بود آزموده شد و در سال‌های بعد با استقبال زیادی از سوی نظام آزادی مشروط در زندان‌ها مواجه شد، به طوری که خود بورگس در سال ۱۹۵۱ پیشنهاد کرد که می‌توان از الگوی آماری مشابهی برای بسیاری از حوزه‌های دیگر حقوق کیفری که نیاز به تصمیم‌گیری فردی دارند، استفاده کرد. اگرچه روش‌هایی که وی توصیف کرده بود محدود به اعطای آزادی مشروط بودند (Harcourt, 2007: 2).

بعدها هوفمن و بک^۱ مطالعات بیشتری بر روی روش بورگس انجام دادند. این دو ابتدا با ۶۶ عامل شروع کردند و در طی یک مطالعه دو ساله عوامل را به ۹ مورد کاهش دادند. این ۹ عامل

1. Hoffman & Beck.

عبارت بودند از: محکومیت قبلی، سابقه حبس، سن زمان اولین محکومیت، سرقت خودرو،^۱ ابطال آزادی مشروط در گذشته، سابقه مصرف مواد مخدر، میزان تحصیلات و شغل، وضعیت زندگی در زمان آزادی (Harcourt, 2007: 71).

کار تحقیقی شلدون و النور گلوک^۲ نیز ادامه‌دهنده مطالعات بورگس بود. این دو ابتدا در سال ۱۹۳۰ اولین نسخه پیش‌بینی آماری خود را ارائه دادند و در سال ۱۹۵۹ نسخه نهایی کتاب خود را با نام «پیش‌بینی بزهکاری و جرم» به چاپ رساندند. در این کتاب جداولی برای پیش‌بینی زود هنگام ارتکاب جرم به منظور فردی‌سازی مجازات‌ها تعبیه شده و ابزار پیش‌بینی‌کننده‌ای برای تعیین مجازات و اعطای آزادی مشروط پیشنهاد شده است. این کتاب که توجه اصلی خود را بر بزهکاری نوجوانان متمرکز کرده بود، بر پیش‌بینی رفتار نوجوانان در مراحل گوناگون تعلیق مجازات، آزادی مشروط، رفتار در زندان و سایر نهادهای تربیتی می‌پردازد و برای پیش‌بینی رفتار دختران و پسران بزهکار معیارهای متفاوتی در نظر می‌گیرد.^۳

روش گلوک‌ها کمی پیچیده‌تر از روش بورگس است. زیرا به جای نمره‌دهی ۰ یا ۱، هر دسته از عوامل پیش‌بینی‌کننده جداگانه ارزیابی می‌شوند. آنها سه جدول بر مبنای عوامل اجتماعی، خصیصه‌های شخصیتی و خصیصه‌های روان پزشکی فرد ارائه دادند (McIvor & Raynor, 1988: 132).

اولین^۴ نیز با الهام از روش بورگس، این روش را گسترش داد. وی برخلاف بورگس برای نمره‌دهی فرد، سه نمره (+۱)، (۰) و (-۱) را برای هر یک از متغیرهای پیش‌بینی‌کننده در نظر

۱. به نظر می‌رسد این عامل با عوامل دیگر همخوانی چندانی ندارد. در این خصوص، باید در نظر داشت که ویژگی‌های زمانی و مکانی نیز می‌توانند در تعیین متغیرها مؤثر باشند. همان‌طور که برخی عوامل پیشنهادی بورگس، مانند ملیت، ممکن است در کشوری مانند ایران که اکثریت جامعه دارای ملیت ایرانی هستند دارای قدرت پیش‌بینی نباشد.

2. Sheldon Glueck & Elenor Glueck.

۳. برای مطالعه بیشتر در این مورد بنگرید به:

Glueck, Sheldon. & Glueck, Elenor. (1959). *Predicting Delinquency and Crime*. Cambridge. UK: Harvard University Press

4. Ohlin (1951).

گرفت. همچنین در نمره‌های پیش‌بینی، تنها متغیرهایی را در نظر گرفت که بیشترین ارتباط را با معیار سنج‌ها داشتند. وی در این مورد استدلال کرد که متغیرهای پیش‌بینی کننده‌ای را که ارتباط نزدیکی با متغیرهای پیش‌بینی کننده دیگر دارند می‌توان به منظور اجتناب از ارزش‌دهی اضافی به هر متغیر حذف کرد (Farrington & Tarling, 1985: 10). بدین منظور وی جدولی با دوازده عامل پیشنهاد داد که توجه اصلی خود را به عوامل اساسی و مستقیم در مورد موفقیت آزادی مشروط متمرکز می‌کند. بر همین اساس، جدولی که بعدها در زندان ایالتی ایلینویس^۱ برای اعطای آزادی مشروط به کار گرفته شد، متکی بر ۱۲ عامل بود (Schessler, 1955: 430).

اگرچه این روش‌ها نسبت به برخی روش‌های پیشنهادشده بعدی ساده هستند، می‌توانند بسیار کارا باشند. فرینگتون و روژر با بررسی تمامی روش‌هایی که به منظور پیش‌بینی تکرار جرم به کار گرفته شده‌اند به این نتیجه رسیدند که کارایی تمام این روش‌ها بستگی به داده‌ها دارد. به عنوان مثال، زمانی که داده‌ها قابل اعتمادتر باشند، روش‌هایی که به داده‌ها بیشتر متکی هستند احتمالاً بهتر عمل می‌کنند. با این حال، با توجه به ایرادهایی که به داده‌ها و آمار در نظام عدالت کیفری وارد است، بهتر است به روش‌هایی اتکاء کنیم که کمتر به کیفیت داده‌ها متکی هستند. بنابراین، به نظر می‌رسد روش‌های بورگس و گلوک‌ها به اندازه روش‌های پیچیده‌تر و یا حتی بیشتر از آنها کارا هستند (Farrington & Tarling, 1985: 94).

نکته اتکاء به آمار برای پیش‌بینی و تعیین سرنوشت محکومان، در ایران نیز قابل تأمل است. با توجه به رویکردهایی که در مورد آمار جنایی وجود دارد، اشتباه‌هایی که ممکن است در روند گردآوری آمار پیش‌بینی و گاه عدم مهارت کافی متخصصان در جمع‌آوری آمار، شاید اتکاء به روش‌های ساده‌تر آماری در ایران قابل قبول‌تر باشد. با این حال، نمی‌توان نکات ضعف مطالعات نسل دوم و به خصوص پویایی عوامل خطر را نادیده گرفت. تأکید بیشتر بر عوامل پایا و کارایی کمتر عملی این نوع پیش‌بینی‌ها در مدیریت پرونده‌ها منجر به اصلاح این روش‌ها شد.

1. Illinois.

همچنین پیشرفت‌های آماری و نیز امکان ذخیره‌سازی و دسترسی ساده‌تر و سریع‌تر به داده‌ها، استفاده از برخی روش‌های پیچیده‌تر پیشنهاد شده را توجیه می‌کنند.

۲-۱. روش‌های تکامل یافته

روش‌های تکامل یافته پیش‌بینی تکرار جرم، روش‌هایی هستند که از یک سو، صرفاً بر پیش‌بینی تکرار جرم تمرکز کرده‌اند و از سوی دیگر، امروزه به صورت عملی نیز در بسیاری از کشورها به کار گرفته می‌شوند. مهم‌ترین این روش‌ها SFS و LSI-R هستند که اولی متعلق به نسل دوم مطالعات و دومی متعلق به نسل سوم مطالعات پیش‌بینی جرم هستند.

۱-۲-۱. (SFS)^۱

ابزار نمره‌دهی عامل بارز (SFS)، مقیاس سنج‌ای است که برای کمک به هیأت آزادی مشروط در تصمیم‌گیری‌ها طراحی شده است. هیأت آزادی مشروط^۲ که در ایالات متحده آمریکا و بعضی کشورهای دیگر مانند انگلستان، کانادا و نیوزیلند در نظام عدالت کیفری تعریف شده است، مسئول اعطاء یا خودداری از اعطای آزادی مشروط و نیز نظارت بر افرادی است که با آزادی مشروط از زندان بیرون آمده‌اند. هیأت‌های آزادی مشروط در کشورهای گوناگونی که آن را پذیرفته‌اند و نیز در ایالات مختلف ایالات متحده آمریکا از نظر ترکیب و تعداد اعضا، انتصابی یا انتخابی بودن، نحوه تصمیم‌گیری، اختیارات و ... متفاوتند. اعضای هیأت ممکن است استادان دروس عدالت کیفری در دانشگاه، جرم‌شناسان، پزشکان، روان‌پزشکان، وکلاء یا دادرسان باشند. با توجه به علاقه رسانه‌ها به جرایم ارتكابی از سوی افرادی که زودتر از موعد از زندان آزاد می‌شوند، تصمیم‌گیری در مورد اعطاء یا عدم اعطای آزادی مشروط، وظیفه سنگین و پرمسئولیتی برای هیأت است. همچنین، با توجه به ترکیب اعضا، دستیابی به یک تصمیم

۱. (Salient Factor Score): ابزار نمره‌دهی عامل بارز. با توجه به نام‌آنوس بودن این عنوان در زبان فارسی و به کارگیری آن به صورت کوتاه‌شده در کتب انگلیسی، در این مقاله نیز از عنوان کوتاه شده آن استفاده شده است.

2. Parole Board or Parole Commission.

واحد در مورد آزادی مشروط، کار دشواری است. اگرچه استانداردهایی برای تصمیم‌گیری در اختیار اعضاء قرار داده می‌شود، همچنان بحث یکپارچگی در تصمیم‌گیری در سطح ایالت، نیاز به معیارهایی دقیق‌تر دارد. SFS به منظور یکپارچه‌سازی تصمیم‌های هیأت آزادی مشروط طراحی شده است (Champion, 1994: 57-64).

نمره‌دهی در SFS، چندین بار مورد بازبینی قرار گرفته است که مهم‌ترین آنها در سال ۱۹۸۱ صورت گرفت و با نام SFS ۸۱ معروف شد. نمرات SFS ۸۱ ممکن است بین ۱ تا ۱۰ باشند. معیارها و نمره‌دهی در این ابزار در جدول ذیل آورده شده است.^۱

<p>۱. محکومیت‌های سابق</p> <p>هیچ (۳ نمره)</p> <p>یک مورد (۲ نمره)</p> <p>چهار مورد یا بیشتر (۰ نمره)</p> <p>۲. سابقه ارتکاب جرم در بیش از سی روز گذشته</p> <p>هیچ (۲ نمره)</p> <p>یک یا دو مورد (۱ مورد)</p> <p>سه مورد یا بیشتر (۰ نمره)</p> <p>۳. سن زمان ارتکاب جرم فعلی</p> <p>بیست و پنج سال یا بیشتر (۲ نمره)</p> <p>بیست تا بیست و پنج سال (۱ نمره)</p> <p>نوزده سال یا کمتر (۰ نمره)</p> <p>۴. بازه زمانی عدم ارتکاب جرم در سه سال اخیر</p>
--

۱. جدول به نقل از: Ibid. P.65.

عدم ارتکاب جرم در بیش از سی روز اخیر یا آزادی برای ارتکاب جرمی که
بیش از سه سال پیش از جرم فعلی ارتکاب یافته (۱ نمره)
حالت‌های دیگر (۰ نمره)
۵. نقض تعلیق مجازات، آزادی مشروط، حبس، فرار
در هیچ حالت (۱ نمره)
حالت‌های دیگر (۰ نمره)
۶. اعتیاد به مواد افیونی
عدم سابقه اعتیاد (۱ نمره)
حالت‌های دیگر (۰ نمره)

البته پیروی از نمره‌های این رهنمود الزامی نیست و مطابق اصلاحاتی که در قوانین شورای
هیأت آزادی مشروط در سال ۱۹۸۵ صورت گرفت، امکان عدم پیروی شورا از این رهنمودها
به شرط توجیه کتبی دلیل عدول، وجود دارد (Champion, 1994: 57-64).

در مورد کارایی SFS، هوفمن^۱ پیگیری طولانی‌مدت SFS روی سه دسته از مرتکبان که
از زندان آزاد شده بودند را گزارش می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که این سنجه طی بیش از
هفته سال مطالعه که در طی آن نمونه‌های گوناگونی از زندانیان آزاد شده‌اند، درستی و دقت
خود را ثابت کرده است (McLaughlin & Munice, 2001: 221).

با این حال، معیارهای SFS همگی پایا و متعلق به نسل دوم مطالعات پیش‌بینی جرم هستند.
این معیارها، امکان تغییر رفتار اشخاص در طی زمان را در نظر نمی‌گیرند. بنابراین، این روش با
وجود کارایی بیشتر نسبت به روش‌های پیشین و موفقیت در یکپارچه‌سازی اتخاذ تصمیم در
مورد اعطای آزادی مشروط، مانند روش پیشنهادی بورگس، قادر به سنجش تغییرات نیست.

1. Hoffman (1994).

به نظر می‌رسد در ایران نیز برخی دادرسان در تصمیم‌گیری در مورد اعطای آزادی مشروط برخی از عوامل SFS را مد نظر قرار می‌دهند. مهم‌ترین این عوامل، اعتیاد به مواد مخدر و سابقه کیفری هستند. با این حال، در SFS برای ترک مواد مخدر که عاملی پویاست، نمره‌ای در نظر گرفته نمی‌شود. در حالی که در ایران بسیاری از دادرسان این تغییر مثبت را در تصمیم‌گیری خود در مورد اعطای آزادی مشروط، به استناد بند الف ماده ۵۸ در نظر می‌گیرند.

ترکیب عوامل پایا و پویای خطر و نیز در نظر گرفتن نیازهای مرتکب، در کنار عوامل خطر، منجر به ابداع روش‌های نسل سوم گردید. مهم‌ترین روش در این نسل، LSI-R است.

۱-۲-۲. (LSI-R)^۱

LSI-R ابزاری سنجش‌ای برای تخمین خطر و نیاز مرتکبان است که توسط بونتا و اندروز^۲ طراحی شده که ۵۴ عامل خطر و نیاز را فهرست می‌کند. در هر عامل، امکان نمره‌دهی صفر یا یک وجود دارد و هر یک دارای ۱۰ زیر شاخه هستند. این زیر شاخه‌ها عبارتند از: سابقه جنایی، تحصیلات/اشتغال، وضعیت مالی، وضعیت خانوادگی/تأهل، وضعیت مسکونی، تفریحات، هم‌نشینان، مشکلات مرتبط با الکل/مواد مخدر، وضعیت فردی/احساسی و نگرش‌ها/گرایش‌ها. مهم‌ترین کاربرد این ابزار در تخصیص دادن نهادهای نظارتی برای مرتکبان خطرناکی است که احتمالاً مسئول بیشترین فعالیت‌های مجرمانه در جامعه‌اند. با توجه به نیازهای جرم‌زا و خطر پویا، درجه نهایی خطر برخی مرتکبان ممکن است کاهش یابد (Andrews & Bonta, 1994: 316).

اکثر عوامل سازنده LSI-R پویا هستند. بنابراین، ممکن است نتایج بدست آمده با ارزیابی‌های مجدد تغییر پیدا کنند. این تغییرات می‌توانند ناشی از رخدادهایی عادی باشند (مانند اینکه مرتکب شغلی پیدا کند) و یا نتیجه درمان باشند (مانند ترک نوشیدن الکل). این اطلاعات

۱. (Level of Service Inventory- Revised): نگارش بازبینی شده تراز فهرست خدمات. به دلایل ذکر شده در

مورد SFS، این عامل نیز با همین عنوان تبیین می‌گردد.

2. Bonta & Andrews.

در صورتی که نشان دهند تغییرات در نمره‌ها با تکرار جرم ارتباط دارند، می‌توانند برای نظارت بر بهبود یا وخیم شدن وضع مرتکبان مفید باشند (Andrews & Bonta, 1994: 316). همچنین، LSI-R یکی از محدود ابزارهای سنجش خطر است که بر پایه نظری بنا شده است. نظریه عمومی شخصیت و نظریه شخصیت اجتماعی رفتار جنایی که توسط اندروز و بونتا در سال ۲۰۰۳ ارائه شدند، دیدگاهی در مورد یادگیری اجتماعی هستند که با پژوهش‌ها در مورد ارزیابی مرتکب و درمان وی همخوانی دارند. مطابق این نظریه رفتار جنایی از طریق زمینه‌های گوناگون اجتماعی آموخته می‌شود. پاسخ‌های مبتنی بر پاداش و تنبیه که در گستره وسیعی از زمینه‌های اجتماعی (مانند کار، مدرسه، خانواده و محیط تفریحی) با عوامل فردی (مانند تکانشی بودن، ماجراجو بودن، خودکنترلی پایین و سنگدلی) تعامل پیدا می‌کنند، رفتار را به وجود می‌آورند. حمایت اجتماعی از رفتار و شناخت‌های موجد رفتار جنایی در کنار سابقه جنایی و مجموع عوامل شخصیتی، عوامل اساسی به وجود آورنده رفتار ضد اجتماعی هستند (McIvor & Raynor, 1988: 141).

پژوهشگرانی همچون توماس آرنولد^۲ و پیتر راینور^۳ به نتایج جالب توجهی در مورد درستی LSI-R دست یافتند. این یافته‌ها حاکی از آن هستند که در صورتی که برخی ترکیبات اساسی یک پیش‌بینی کارا در نظر گرفته شوند (مانند خصوصیات کاربردی و تاریخچه ای و ...)، می‌توان به پیش‌بینی گستره فراوانی از رفتارهای قانون‌شکنی در میان نمونه‌های گوناگون مرتکبان اقدام نمود (Andrews & Bonta, 1994: 317). این آزمون در مورد مرتکبان زن و مرتکبانی که از گروه‌های قومی دیگر و مهاجران بوده‌اند و نیز کودکان و نوجوانان با میزان

۱. گزارشی کامل در مورد آموزش چگونگی نمره‌دهی به هر یک از عوامل خطر و عوامل حمایتی LSI-R در ۵۰ صفحه در تارنمای اینترنتی زیر قابل بازیابی است:

[http://dhs.sd.gov/drs/recorded_videos/training/lsi-r/doc/LSI-R introductory training Participant Manual.pdf](http://dhs.sd.gov/drs/recorded_videos/training/lsi-r/doc/LSI-R_introductory_training_Participant_Manual.pdf)

2. Thomas Arnold.

3. Peter Raynor.

اعتماد بالایی قادر به پیش‌بینی تکرار جرم بوده است (McIvor & Raynor, 1988: 142). جندرو^۱ و همکارانش نیز در یک مطالعه تجربی به این نتیجه رسیدند که این معیار بهترین سنجه برای پیش‌بینی تکرار جرم در میان بزرگسالان است (McLaughlin & Munice, 2001: 221). در تحقیق دیگری ۱۱۴۴ زندانی مرد که در ایالت واشنگتن بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۵ به طور مشروط از زندان آزاد شده بودند مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج بررسی نشان داد معیار LSI-R در پیش‌بینی تکرار جرم، میان مرتکبان زندانیان عادی و زندانیانی محکوم به حبس‌های طولانی مدت، کارآمد بوده است (Manchak et al, 2007: 480-486).

در مقایسه‌ای میان LSI-R و SFS این مطلب ملاحظه می‌گردد که SFS تنها شامل معیارهای پایا، ولی LSI-R شامل معیارهای پایا و پویا می‌شود. معیارهای SFS در مقایسه با LSI-R بسیار ساده هستند. سادگی معیارها، گرچه کار کردن با آنها را برای افراد عادی ساده‌تر می‌کند، ممکن است اعتبار و دقت معیارهای سنجشی تفصیلی‌تر مانند LSI-R را نداشته باشد. شاید به همین دلیل تنها در سه ایالت آمریکا از این معیار برای سنجش امکان اعطای آزادی مشروط استفاده می‌شود، در حالی که هشت ایالت از LSI-R کمک می‌گیرند. ایالت‌های بسیار دیگری نیز از سایر ابزارهای آماری به منظور پیش‌بینی تکرار جرم استفاده می‌کنند (Harcourt, 2007: 78).

بکارگیری ابزار سنجش خطر آماری^۲ برای اعطای آزادی مشروط در دهه‌های اخیر در بسیاری از کشورها افزایش قابل توجهی داشته است. در ایالات متحده آمریکا تا سال ۲۰۰۴، بیست و هشت ایالت از ابزار سنجش خطر آماری در فرایند تصمیم‌گیری در مورد آزادی مشروط استفاده کرده‌اند. اولین ایالتی که استفاده از این ابزار را به طور قانونی پذیرفت، ایلینویز

1. Gendreau.

۲. (Actuarial Risk Assessment Tools): ناظر به پیش‌بینی تکرار جرم با استفاده از روش‌های آماری پایا و یا پایا/پویا

است که در ادامه تشریح خواهند شد.

در دهه ۱۹۳۰ بود. با این حال، بسیاری از ایالات دیگر، از دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ این ابزار را در فرایند آزادی مشروط خود به صورت قانونمند پذیرفته‌اند (Harcourt, 2007: 77). نکته جالب اینکه شرط مذکور در بند الف ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مبنی بر نشان دادن مداوم حسن اخلاق و رفتار از سوی محکوم می‌تواند مقدمه‌ای برای پیش‌بینی و از عوامل پویای پیش‌بینی جرم باشد. با این حال، بر خلاف کلی بودن بند فوق، معیار LSI-R ضابطه‌ای دقیق برای چگونگی تشخیص این معیار و در نتیجه پیش‌بینی تکرار جرم ارائه می‌دهد. نتیجه آنکه با توجه به کاربرد گسترده روش‌های پیش‌بینی جرم در فرایند اعطای آزادی مشروط، می‌توان امکان بکارگیری آن در ایران را مورد بررسی قرار داد.

۲. امکان‌سنجی بکارگیری روش‌های پیش‌بینی تکرار جرم در ایران

با اینکه مطالعات پیش‌بینی تکرار جرم به طور علمی از حدود ۹۰ سال پیش، یعنی از ۱۹۲۸، پایه‌گذاری شده‌اند و هم‌اکنون در تصمیم‌های قضایی، به خصوص در مورد اعطای آزادی مشروط به کار گرفته می‌شوند، به نظر می‌رسد چنین مطالعاتی در ایران بسیار نوپا و چه‌بسان مغفول مانده‌اند. توضیح آنکه در بسیاری از مطالعات در مورد آزادی مشروط، این نهاد به صورت تطبیقی با کشورهای دیگر یا با نهادهایی مانند تعلیق مراقبتی بررسی شده و بیشتر جنبه‌های حقوقی آن مورد بررسی قرار گرفته است، در حالی که در مورد پیش‌بینی تکرار جرم در اعطای آزادی مشروط با مباحث جرم‌شناسی کاربردی سروکار داریم. وانگهی، با توجه به قوانین موجود، رویه‌های عملی و ملاحظات اقتصادی می‌توان بسترها و ضابطه‌های پیش‌بینی تکرار جرم در ایران را مورد بررسی قرار داد.

۱-۲. بسترها

نخستین مسئله در مورد امکان‌سنجی بکارگیری روش‌های پیش‌بینی تکرار جرم، بررسی وجود بستر مناسب جهت بکارگیری این نهاد است. در بحث حاضر، این بسترها شامل بسترهای قانونی و قضایی هستند.

۱-۱-۲. بستر قانونی

بررسی تاریخی مواد قانونی مربوط به آزادی مشروط در ایران نشان می‌دهد در تمامی مواد قانونی مربوط به این نهاد، شرط پیش‌بینی عدم تکرار جرم وجود داشته است. در ماده واحده قانون راجع به آزادی مشروط زندانیان مصوب ۱۳۳۷ که برای نخستین بار نهاد آزادی مشروط را وارد نظام قضایی ایران نمود، یکی از شروط اعطای آزادی مشروط عبارت است از اینکه «از اوضاع و احوال محکوم پیش‌بینی شود که پس از آزادی، دیگر مرتکب جرمی نخواهد شد». این شرط در بسیاری از قوانین بعدی، از جمله قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و نیز ماده ۳۸ اصلاحی مصوب ۱۳۷۷ (غلامی، ۱۳۸۱: ۶۲-۶۲) و در نهایت در ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تکرار شده است.

صرف نظر از چگونگی پیش‌بینی جرم، کوتاه مدت، میان مدت یا بلند مدت بودن پیش‌بینی و ارتباط آن با شروط دیگری که برای آزادی مشروط آورده شده‌اند و مواد قانونی دیگر مانند ماده ۴۰ و ۱۱۵ همین قانون که به نوعی پیش‌بینی جرم را مد نظر قرار داده‌اند، تکرار این شرط در مواد قانونی مربوط به آزادی مشروط از سال ۱۳۳۷ تا کنون می‌تواند بستر قانونی مناسبی برای روی آوردن به روش‌های پیش‌بینی تکرار جرم باشد.

توضیح آنکه مطابق ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ دادرسی مکلف است شرط پیش‌بینی عدم تکرار جرم را جدای از سایر شروط آزادی مشروط احراز کند، بدون اینکه ضابطه‌ای برای احراز این شرط توسط قانونگذار ارائه شده باشد. اگرچه استناد به اصل شخصی‌سازی مجازات‌ها و اختیار دادگاه در پیش‌بینی عدم تکرار جرم و اختیارات گسترده

دادرس در مجازات‌های تعزیری می‌توانند توجیه‌کننده خوانش فعلی ماده ۵۸ باشند، به نظر می‌رسد قاعده‌مندسازی چگونگی پیش‌بینی عدم تکرار جرم، عادلانه‌تر است و از صدور احکام متناقض در موارد مشابه جلوگیری می‌کند. چنانکه سابقه قانونگذاری ایران نشان داده است، تحدید اختیارات دادرسان و ضابطه‌مند کردن آنها، همواره گامی مثبت در نظام قضایی ایران بوده است.

بنابراین، بستر قانونی بکارگیری پیش‌بینی جرم در آزادی مشروط در ایران، نه تنها سالهاست که موجود است، بلکه به عنوان شرطی جداگانه و الزامی در ماده قانونی مربوط ذکر شده است. با وجود این، به نظر می‌رسد این شرط همواره مورد غفلت قرار گرفته و توجهی به ضابطه‌مندسازی آن نشده است. این موضوع ذهن را به سوی بستر قضایی امکان ضابطه‌مندسازی پیش‌بینی جرم سوق می‌دهد.

۲-۱-۲. بستر قضایی

نظام قضایی ایران با مشکلاتی همچون تراکم کاری، کمبود نیرو و امکانات و تورم جمعیت زندان‌ها روبروست. مقابله با این مشکلات، نیازمند تدبیر، برنامه‌ریزی و گاه الگوبرداری از تجارب موفق در کشورهای دیگر است. در مورد آزادی مشروط، ممکن است محکوم دارای شرایط عمومی پیش‌بینی شده در ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی باشد، ولی با درصد بالایی از اطمینان، تکرار جرم وی قابل پیش‌بینی باشد. در این صورت، اعطای آزادی مشروط به وی، ارفاقی نابجاست که گرچه به طور موقت از ازدحام جمعیت کیفری زندان‌ها می‌کاهد، ولی در نهایت منجر به صرف هزینه‌های بیشتر جهت پیگیری جرایم بعدی وی خواهد شد. در حال حاضر در ایران آماری از محکومانی که با آزادی مشروط از زندان خارج شده و مجدداً مرتکب جرم می‌شوند وجود ندارد. با این حال، به نظر می‌رسد این امر غیر معمول نیست. رواج تکرار جرم در میان افرادی که با آزادی مشروط از زندان خارج شده‌اند، می‌تواند بر دو موضوع دلالت

داشته باشد: نخست آنکه در تصمیم‌گیری در مورد اعطای آزادی مشروط توجهی به شرط پیش‌بینی عدم ارتکاب جرم نشده است؛ یا دوم آنکه پیش‌بینی به درستی صورت نگرفته است. به نظر می‌رسد پیش‌بینی جرم در این مورد بیشتر مبتنی بر ملاحظات شهودی، تجربی و ذهنی و متعلق به نسل اول مطالعات پیش‌بینی جرم است. بیشتر دادرسان و دادیاران ناظر زندان، تصویری از اینکه دقیقاً چه معیاری را باید برای این پیش‌بینی در نظر بگیرند ندارند. در این مورد حتی معیارهای ساده‌ای مانند تأهل، تحصیلات و سن دارای نمره مثبت یا منفی نیستند. با این حال، سابقه ارتکاب جرم و اعتیاد به مواد مخدر، با وجود عدم ذکر در قانون، همواره عواملی منفی محسوب می‌شوند. بازه پیش‌بینی تکرار جرم نیز دقیق نیست، گرچه به نظر می‌رسد بسیاری از دادرسان پیش‌بینی کوتاه مدّت و بلافاصله پس از آزادی مشروط را در نظر می‌گیرند. نکته مهم اینکه در صورتی که محکوم واجد شرایط دیگر آزادی مشروط باشد، ولی به هر دلیلی با آزادی مشروط وی مخالفت شود، این مخالفت به استناد بند ب ماده ۵۸ خواهد بود. این موضوع گرچه با توسل به اصل فردی‌سازی مجازات‌ها قابل توجیه است، در مورد محکوم باعث بی‌عدالتی می‌شود. توضیح آنکه گرچه در پیچیده‌ترین روش‌های پیش‌بینی جرم، همچنان عامل انسانی بر نتایج پیش‌بینی از راه‌های گوناگون تأثیر می‌گذارد، این عامل تنها عامل تعیین‌کننده نیست و تنها در نسل اول مطالعات پیش‌بینی جرم دارای یک نقش اساسی است. بدین سان، به نظر می‌رسد در ایران از نظر قضایی هنوز بستر قضایی لازم برای بکارگیری روش‌های پیش‌بینی تکرار جرم در آزادی مشروط فراهم نیست. این امر در وهله اول نیازمند توجه لزوم توسل به این روش‌ها در نظام قضایی ایران است که شاید در این راستا بتوان به آمار و دستاوردهای موفق این روش‌ها در کشورهای دیگر اشاره کرد. گام بعدی ضابطه‌مندسازی و بومی‌سازی روش‌های پیشنهادی است.

۲-۲. ضابطه‌ها و بومی‌سازی

با توجه به عدم وجود معیارهای مشخص برای پیش‌بینی تکرار جرم، نه از نظر قانونی و نه از نظر رویه عملی و قضایی، نخستین گام برای ضابطه‌مندسازی، تعیین معیارهای پیش‌بینی است. این امر با الگو برداری از روش‌های موفق و بومی‌سازی آنها محقق خواهد شد.

۲-۲-۱. ضابطه‌ها

پیش‌بینی جرم و امکان انجام آن همواره مورد انتقاد جرم‌شناسان، حقوقدانان و بسیاری از افرادی که دغدغه‌های نقض حقوق و آزادی‌های فردی را دارند بوده است. با این حال، این انتقادات در مورد اعطای آزادی مشروط به فرد بسیار کمتر از پیش‌بینی اولیه جرم هستند، زیرا از یک سو در این حالت فرد با ارتکاب جرمی نسبتاً جدی یک بار خطرناک بودن خود را نسبت به جامعه نشان داده است و با فردی که پیشتر مرتکب هیچ جرمی نشده تفاوت دارد. بنابراین، همان‌گونه که در قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹ در نظر گرفتن برخی تدابیر برای جلوگیری از تکرار جرم در باره مجرمان خطرناک به رسمیت شناخته شده بود، می‌توان استناد به بند ب ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی فعلی را نیز در همین راستا مد نظر قرار داد. از دیگر سو، آزادی مشروط نهادی تخفیفی است که به محکومانی که دارای شایستگی استفاده از آن هستند تعلق می‌گیرد. بنابراین، بدیهی است که اگر محکوم خطرناک ارزیابی شود و یا شرایط دیگر استفاده از این نهاد را نداشته باشد، به وی آزادی مشروط اعطا نخواهد شد و باید دوران مقرر شده در حکم را در زندان بگذراند.

بدین سان، از نظر حقوقی و اخلاقی، پیش‌بینی تکرار جرم به منظور اعطای آزادی مشروط با چالش‌های زیادی روبرو نیست. با این حال، نیاز به ضابطه‌مندسازی به منظور یکپارچه‌سازی تصمیم‌ها در این مورد و دقیق‌تر کردن نتایج، پیش‌بینی شده است. این امر خود، نیاز به مطالعه، پژوهش و بومی‌سازی یافته‌های حاصل از پژوهش دارد.

۱. این قانون به موجب ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نسخ شده است.

۲-۲-۲. بومی‌سازی

نقطه شروع تعیین ضابطه‌ها می‌تواند همان معیارهای روش‌های نوین پیش‌بینی تکرار جرم باشد. اما بومی‌سازی آنها نیز حائز اهمیت فراوان است. توضیح آنکه در نظر گرفتن معیارهای پیش‌بینی تکرار جرم در بسیاری از کشورها سابقه‌ای بسیار طولانی داشته است. برخی از این مطالعات، مانند کار تحقیقی گلوک‌ها، پژوهشی طولی بوده و افراد را سال‌ها دنبال کرده است و در نهایت نتیجه این پژوهش‌ها منجر به ارایه سنجه‌ها و جداولی برای پیش‌بینی جرم شده است.

بدیهی است که در ایران نیز می‌توان از برخی یافته‌های این مطالعات برای پیشنهاد ضابطه‌های پیش‌بینی تکرار جرم استفاده کرد. به خصوص با توجه به اینکه بسیاری از این معیارها، ارتباط زیادی با خصوصیات بومی، فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و اقتصادی کشورها ندارند و از این رو می‌توان تصور کرد که در بیشتر کشورها قابلیت اجرا دارند. البته این امر استثنائاتی نیز دارد. به طور مثال، در تحقیق بورگس، یکی از عوامل خطر پیش‌بینی‌کننده جرم، ملیت پدر محکوم است. صرف‌نظر از انتقادهای فراوانی که به این شرط وارد شده و بسیاری آن را نژادپرستانه دانسته‌اند، به نظر می‌رسد چنین شرطی در جامعه ایران که اکثر افراد آن دارای ملیت ایرانی هستند، چندان قابل اعمال نباشد. البته چنین شروط انتقادبرانگیزی در تحقیقات بعدی حذف شدند. چنانکه معیارهای سنجش در LSI-R بسیار دقیق و فراملی هستند و شاید بتوان گفت می‌توانند الهام‌بخش قانونگذار ایرانی برای تعیین ضوابط پیش‌بینی جرم برای اعطای آزادی مشروط قرار گیرند. با وجود این، همچنان پیشنهاد جدولی برای پیش‌بینی تکرار جرم، نیاز به یک مطالعه گسترده طولی در میان زندانیان دارد. در این پژوهش، می‌توان زندانیانی را که با آزادی مشروط از زندان آزاد شده‌اند برای یک بازه زمانی حداکثر پنج ساله^۱ دنبال کرد. با

۱. در مطالعات پیش‌بینی جرم، پیش‌بینی‌های بیش از پنج سال، پیش‌بینی‌های بلندمدت محسوب می‌شوند و اعتبار آنها با توجه به تغییر شرایط و عوامل خطر در طولانی‌مدت، از نظر بسیاری از پژوهشگران مورد تردید است. برای مطالعه بیشتر در مورد طبقه‌بندی زمانی پیش‌بینی و اعتبار آنها بنگرید به: عبد اله خانی، علی. (۱۳۹۰). فنون پیش‌بینی. تهران: موسسه فرهنگی ابرار معاصر تهران. چاپ اول. صص. ۳۳-۳۵.

بررسی عوامل خطر و نیازهای افراد، اعم از عوامل پایا و پویا، نمره‌ای که فرد در این آزمون کسب می‌کند و چگونگی تغییر نمرات وی با توجه به عوامل پویا، می‌تواند در مورد معیارهای پیش‌بینی جرم به طور دقیق اظهار نظر کرد. وانگهی، با وجود مشکلاتی مانند توجه اقتصادی انجام چنین تحقیق طولی و نیز مشکلات مربوط به آمارها و عدم امکان دسترسی به افرادی که با آزادی مشروط از زندان رها شده‌اند، به نظر می‌رسد می‌توان این مشکلات را رفع و چنین طرح تحقیقاتی را عملی کرد.

گام بعدی تصمیم‌گیری در این مورد این است که آیا دادرسی یا دادرسی اجرای احکام باید شخصاً در مورد پیش‌بینی ارتکاب جرم تصمیم بگیرند یا می‌توانند این امر را به فرد دیگری محول نمایند؟ این پرسش از این جهت مطرح می‌شود که در برخی کشورها هیأت آزادی مشروط، متشکل از جرم‌شناسان، پزشکان، و کلاء، دادرسان و ... در مورد آزادی مشروط تصمیم‌گیری می‌کنند و شاید سپردن این امر به چنین هیأتی با توجه به تراکم کاری دادرسان، تصمیم مناسبی باشد. در ایران، ماده ۶۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ چنین مقرر می‌کند که «در مواردی که رسیدگی به امری از نظر علمی، فنی، مالی، نظامی و یا سایر جهات نیاز به کارشناسی داشته باشد، مرجع رسیدگی‌کننده از کارشناس یا هیأت کارشناسی کسب نظر می‌نماید».

با توجه به اینکه اظهار نظر در مورد پیش‌بینی تکرار جرم از سوی فرد، از امور کارشناسی و تخصصی است که حتی با وجود ضابطه‌های سنجش، نیاز به صرف زمان کافی و مطالعه در مورد تک تک زندانیان به منظور تعیین نمرات سنجش‌ها دارد، به نظر می‌رسد در چارچوب قانون فعلی، منعی برای نظرخواهی از کارشناسان به منظور احراز بند ب ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی وجود ندارد. با وجود این، به منظور اجتناب از طولانی شدن فرایند رسیدگی به درخواست‌های آزادی مشروط، شاید بهتر باشد پیشنهاد دادستان یا دادرسی اجرای احکام، با توجه به نظر کارشناسان ضابطه‌مند مبتنی بر محاسبه خطرناک بودن زندانی، تقدیم دادگاه شود.

به نظر می‌رسد از آنجا که معیارهای سنجش به طور دقیق مشخص شده‌اند، تشکیل هیأت آزادی مشروط در ایران ضرورتی ندارد و کافی است یک متخصص آموزش دیده با توجه به شاخص‌ها، در مورد زندانی و احتمال تکرار جرم وی پس از آزادی از زندان اظهار نظر نماید. این امر به خصوص با توجه به دشوار بودن رسیدن به تصمیم واحد از سوی اعضای هیأت آزادی مشروط و جلوگیری از دست رفتن زمان در مورد تصمیم‌گیری در خصوص آزادی مشروط زندانیان، راه‌حل مناسبی به نظر می‌رسد.

مسئله دیگری که شاید باید در تصمیم‌گیری در این مورد مد نظر قرار گیرد، احتمال کاهش اعطای آزادی مشروط و در نتیجه افزایش نرخ جمعیت کیفری پس از ضابطه‌مندسازی معیار پیش‌بینی تکرار جرم است. توضیح آنکه تا کنون دادگاه‌ها شرط مندرج در بند ب را نه به عنوان شرطی مجزا بلکه در راستا و در کنار شروط دیگر آزادی مشروط در نظر می‌گرفتند. ولی با ضابطه‌مندسازی در این مورد باید این شرط را به صورت مجزا در مورد تک تک زندانیان بررسی کرد. بدیهی است که ممکن است برخی زندانیان نمره‌های خوبی در معیارهای سنجشی کسب نکنند و از فهرست افرادی که آزادی مشروط به آنها اعطاء خواهد شد حذف شوند. گرچه این پیامد می‌تواند به صورت بالقوه جمعیت کیفری ایران را افزایش دهد، با توجه به هدفمند بودن آن و اینکه هدف نگاه داشتن افراد در زندان، اصلاح و بازپروری یا ناتوان‌سازی زندانیان خطرناک است، قابل توجیه است.

نتیجه؛

پیش‌بینی تکرار جرم در فرایند آزادی مشروط نهادی کارآمد است که می‌تواند منجر به کارکرد بهتر نظام قضایی ایران شود و اعطای آزادی مشروط را ضابطه‌مند و هدفمندتر سازد. با اینکه بستر قانونی مناسب برای پیش‌بینی تکرار جرم به موجب ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی و ماده ۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری موجود است، این کار ممکن است در عمل با چالش‌هایی مواجه شود. در واقع، کمبود نیروی متخصص انسانی در این زمینه، تراکم پرونده‌ها، میل به ساده‌سازی

تصمیم‌های قضایی به منظور نیل به آمار بهتر و بالاتر و سیاست‌های مبتنی بر کاهش جمعیت کیفری، به هر قیمتی، از موانع بالقوه پذیرش چنین نهادی در نظام قضایی ایران هستند. با وجود این، با نگاهی طولانی‌مدت به سرنوشت محکومانی که با آزادی مشروط از زندان رها می‌شوند، می‌توان در توجیه مفید بودن و حتی اقتصادی بودن این تصمیم‌ها شک کرد. به کارگیری معیارهای استاندارد، همه جانبه و پویا، نه تنها به نظام قضایی در تشخیص بهتر اعطاء یا عدم اعطای آزادی مشروط کمک خواهد کرد، بلکه برای محکوم نیز از دو جهت می‌تواند مفید باشد: نخست اینکه سرنوشت پرونده‌اش را قابل پیش‌بینی می‌کند و دوّم اینکه در صورت وجود شرایط دیگر، بیشتر در جهت اصلاح و بازپروری مرتکب خواهد بود، زیرا در این معیارها، عوامل حمایتی و نیازهای مرتکب نیز جهت کمک به بازپروری وی در نظر گرفته می‌شوند و همواره با ایجاد تغییرات مثبت، امکان تغییر نمره نهایی مربوط به خطر محکوم و اعطای آزادی مشروط به وی وجود دارد. البته تعیین دقیق عوامل خطر و نیازها در جامعه ایران می‌تواند با الهام از معیارهای سنجشی موفق در برخی کشورهای دیگر مانند LSI-R صورت گیرد، ولی نیازمند انجام تحقیقی طولی به منظور سنجش دقیق‌تر معیارهای خطر و نمره‌دهی به هر معیار با توجه به ویژگی‌های بومی است.

منابع

الف: فارسی

- پاک نهاد، امیر. (۱۳۸۸). *سیاست جنایی ریسک مدار*، چاپ اول، تهران، میزان.
- جلالی، مصطفی. (۱۳۸۷). «ارزیابی خطر در نظام عدالت کیفری (۲)»، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۷۷، صص. ۲-۶.
- رضوانی، سودابه. (۱۳۹۱). *مدیریت انسان مدار ریسک جرم*، چاپ اول، تهران، میزان.
- رضوانی، سودابه. (۱۳۹۵). تحولات مفهوم خطرناکی در جرم‌شناسی و آثار آن در حقوق کیفری، رساله برای دریافت درجه دکتری، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- عبد اله خانی، علی. (۱۳۹۰). *فنون پیش‌بینی*، چاپ اول، تهران، موسسه فرهنگی ابرار معاصر تهران.
- غلامی، حسین. (۱۳۸۱). *پیش‌بینی جرم، فصلنامه الهیات و حقوق*، شماره ۶، صص. ۶۱-۷۸.
- غلامی، حسین. (۱۳۸۲). *تکرار جرم*، چاپ اول، تهران، میزان.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین و دیگران. (۱۳۸۸). *تازه‌های علوم جنایی*، جلد اول، چاپ اول، تهران، میزان.

ب: انگلیسی

- Andrews, D.A. and Bonta, James. (1994). *The Psychology of Criminal Conduct*, London, UK: Routledge.
- Champion, Dean J. (1994). *Measuring Offener Risk*. Westport, USA: Greenwood Press.
- Farrington, David P. & Tarling, Roger. (1985). *Prediction in Criminology*. New York, USA: State University of New York Press.
- Garner, Bryan A. (2010). *Black's Law Dictionary*. Eagan, USA: West.
- Glueck, Sheldon. & Glueck, Elenor. (1959). *Predicting Delinquency and Crime*. Cambridge, UK: Harvard University Press.
- Grigorenko, Elena L. (2012). *Handbook of Juvenile Forensic Psychology and Psychiatry*. New York, USA: Springer.

- Hakeem, Michael. (1945). "Glueck Method of Parole Prediction Applied to 1861 Cases of Burglars", *Journal of Criminal Law and Criminology*, Volume 36, Issue 2.
- Harcourt, Bernard E. (2007). *Against Prediction*. Chicago, USA: The University of Chicago Press.
- Hoge, Robert D. & Vincent, Gina & Guy, Laura. (2013). *Prediction and Risk/Needs Assessment (Study Group on The Transitions between Juvenile Delinquency and Adult Crime)*. USA: National Institute of Justice.
- Hurwitz, Stephan & Christiansen, Karl O. (1983). *Criminology*. London. UK: George Allen & Unwin.
- Lehman, Jeffrey. (2005). *West's Encyclopedia of American Law*. (2nd ed.). Detroit. USA: Thomson Gale.
- Manchak SM, Skeem JL, Douglas KS. (2005): *Utility of the Revised Level of Service Inventory (LSI-R) in predicting recidivism after long-term incarceration*. *Law Hum Behav*. 32(6).
- McLaughlin, Eugene & Munice, John. (2001). *The Sage Dictionary of Criminology*. London, UK: Sage
- McIvor, Gill & Raynor, Peter. (1988). *Developments in Social Work with Offenders*. UK. London: Jessica Kingsley Publishers.
- Monahan, John. (1995). *The Clinical Prediction of Violent Behavior*. New Jersey, USA: Jason Aronson INC. copyright 1978.
- Olin, John M., Henderson, M. Todd, Wolders, Justin & Zitzewitz, Eric. (2008). *Predicting Crime*, Law & Economics Working Paper No.402, USA: University of Chicago.
- Sang Chang, Yu & Choi, Changyong (2013). Can We Predict Long-Term Future Crime Rates?, KIDI School of Public and Management.
- Schessler, Karl F. (1955). "Parole Prediction: Its History and Status", *Journal of Criminal Law and Criminology*. Volume 45. Issue 4.
- Taylor, Sandie (2016). *Crime and Criminology: A Multidisciplinary Approach*. New York, USA: Routledge.
- Watson, Mark Steven. (2008). *The Prediction and Classification of Risk for Future Violence: An Exploratory Study of New Predictive and Typological Aggression Model*. (PhD's Dissertation of Psychology. York University, Toronto. Canada).
- Wright, Richard. A. & Miller, J. Mitchell. (2005). *Encyclopedia of Criminology*. New York, USA: Routledge.



The Function of Methods for Prediction of Recidivism in Grant of Parole

Hussein Gholami¹ Mehri Barzgar²

(Received: 23/ 8/ 2017 - Accepted: 27/ 9/ 2017)

Abstract

The prediction of recidivism is a part of criminological studies which has many functions in the juristic decision about the convicted. One of the most important decisions deals with parole and is based on the hypothesis that the convicted will have a due attitude during his conviction and will not commit any criminal offence after early release from prison. Several studies have been conducted about such clause which might be divided into three generations: First generation methods that were mostly intuitional and clinical; second generation methods, which included clinical methods, improved by actuarial studies and static actuarial methods, and third generation methods which considered risk/need and static/dynamic factors. Hence, standard tables like SFS and LSI-R are provided which are applied to grant parole. In Iran, according to the second clause of Article 58 of the Islamic Penal Code (enacted in 2013) and its precedence in older criminal codes, prediction of non-commission of crime is one of the conditions of granting parole which is a legal context to apply prediction studies in parole. Yet, juridical context is not provided. The exact definition of factors needs longitudinal research with regard to successful studies in other countries and localising them.

Keywords: Prediction of Crime, Prediction of Recidivism Methods, Parole.

1. Associate Professor in Criminal Law and Criminology, Allameh tabataba'i University, Tehran.

2. PhD. Student in Criminal Law and Criminology, Allameh tabataba'i University, Tehran (Corresponding author): mehbarzegar@gmail.com